

ی ی

مَریم در یزد است . یزد دریا ندارد . او دریا را دوست دارد .

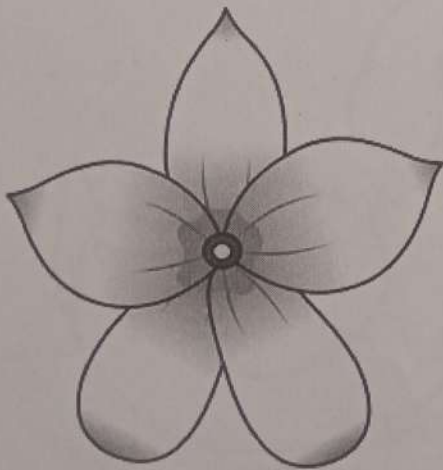
مَریم در تابستان به آستارا آمد . آستارا دریا دارد . دریا تماشایی

است . در شب روی دریا نور زیبایی آمد . بوی یاس می آمد .

مَریم می داند امشب باران می بارد . زیرا بوی باران می آید .

او برای مادرش نی می زند .

مَریم به یاد دوستش یاسمن است .



ی ی

یاس دریا سایه روی دریا بوی یاس میمون

یا آیا شاید باید موی روی مریم یاسمن

برای نباید یزد می آید می شوید بسیار زیاد

بیابان میان تماشایی دایی زیبایی رایانه

